



پرسشنامه هامیلتون مقیاس درجه بندی افسردگی هامیلتون

(HRSD)

شاخص هامیلتون برای ارزشیابی افسردگی

دستور العمل: در مقابل هر یک از جنبه‌های مختلف افسردگی توصیفی را که بهتر با رفتار یا حالت بیمار تطبیق می‌کند انتخاب و با گذاشتن علامت (X) در مقابل نمره مربوط در پاسخنامه آن را مشخص کنید.

1) خلق افسرده (غمگین، نوهید، مستأصل، بی‌ارزش)

0= وجود ندارد.

1= این احساسات فقط در موقع سؤال ابراز شده‌اند.

2= مریض بدون احتیاج به سؤال این حالت را بیان داشته.

3= مریض به صورتی غیرکلامی یعنی از طریق نحوه تکلم، حالات صورت وضع ایستادن، تمایل به گریه و غیره این حالات عاطفی را نشان می‌دهد.

4= مریض در مذاکرات کلامی و غیرکلامی خود منحصراً از این حالات عاطفی گزارش می‌دهد.

2) احساس گناه

0= وجود ندارد

1= خود را سرزنش می‌کند فکر می‌کند به دیگران صدمه زده است.

2= افکار حاکی از گناه، اشتغال ذهنی یا اشتباهات یا گناهان گذشته.

3= بیماری خود را نوعی تنبیه و جزا می‌داند، هذیان گناه.

4= صداهایی را می‌شنود که او را متهم یا محکوم می‌کنند و یا صحنه‌های خیالی تهدیدکننده‌ای را می‌بیند.

3) خودکشی (میل به خودکشی)

0= وجود ندارد.

1= احساس می‌کند زندگی ارزش زیستن ندارد.

2= آرزو می‌کند بمیرد یا هرگونه فکر درباره احتمال مرگ خود.

3= افکار یا اشارات حاکی از قصد خودکشی.

4= کوشش در کشتن خود (هر نوع اقدام جدی 4 نمره داده می‌شود).

4) بی‌خوابی اول شب.

0= اشکالی در به خواب رفتن ندارد.

1= از اشکال گاهگاه در به خواب رفتن شکایت دارد (مثلاً یک دوم ساعت تأخیر در خواب رفتن)

2= از اشکال مداوم (هر شب) در به خواب رفتن شکایت دارد.

5) بی‌خوابی وسط شب

0= اشکالی ندارد.

1= از ناآرامی و ناراحتی خواب در طول شب شکایت دارد.



- 2= بیدار شدن در وسط شب، هر گونه بیرون آمدن از رختخواب نمره 3 می‌گیرد (مگر این که به منظور رفع حاجت باشد).
- (6) بی‌خوابی آخر شب.
- 0= اشکالی ندارد
- 1= در ساعات اولیه صبح بیدار می‌شود ولی مجدداً به خواب می‌رود.
- 2= اگر از رختخواب بیرون برود دیگر خوابش نمی‌برد.
- (7) کار و فعالیت
- 0= مشکلی ندارد.
- 1= افکار و احساساتی حاکی از ناتوانی خستگی یا ضعف در رابطه با فعالیت‌ها، کار و سرگرمی‌های روزمره.
- 2= از دست دادن علاقه به فعالیت، سرگرمی‌ها یا کار خواه مستقیماً توسط مریض گزارش شود یا غیرمستقیم به صورت بی‌حالی، بی‌آزادگی، و تغییر علاقه بیان گردد (احساس می‌کند باید به خودش فشار بیارود تا سرکار یا فعالیت برود).
- 3= کاهش عینی در مدت اشتغال به کار و فعالیت با تولید در مورد بیماران بستری در بیمارستان، نمره 3 به بیماری داده شود که حداقل سه ساعت از روز به فعالیت یا سرگرمی‌های موجود در بیمارستان و غیر از کارهای اجباری بپردازد.
- 4= به علت بیماری فعلی از کار دست کشیده است. در مورد بیماران بستری در بیمارستان نمره 4 به بیماری داده می‌شود که به هیچ کار یا فعالیتی جز وظایف اجباری بیمارستان نپردازد و یا وظایف بیمارستان را هم بدون کمک دیگران انجام ندهد.
- (8) کندی (کند شدن فکر و بیان، کاهش قدرت تمرکز حواس، کاهش فعالیت حرکتی)
- 0= فکر و صحبت عادی.
- 1= مختصر کندی فکر و بیان به هنگام مصاحبه.
- 2= کندی آشکار و بارز به هنگام مصاحبه.
- 3= مشکل شدن مصاحبه بعلا کندی فکر، بیان و حرکت مریض.
- 4= بهت کامل.
- (9) بی‌قراری و ناآرامی
- 0= ندارد.
- 1= با دست‌ها و موها و غیره بازی می‌کند.
- 2= دست‌هایش را به هم می‌مالد و فشار می‌دهد، ناخن‌هایش را می‌جود، موهایش را می‌کند، لب‌هایش را گاز می‌گیرد.
- (10) اضطراب درونی (یا روانی).
- 0= مشکلی ندارد.
- 1= تنش و تحریک‌پذیری ذهنی یا درونی
- 2= بخاطر مطلب جزئی زیاد فکر می‌کند و نگران است.
- 3= نگرانی و اضطراب از صورت یا بیانش آشکار است.
- 4= بدون نیاز به پرسش ترس‌ها و نگرانی‌هایی را اظهار می‌کند.
- (11) اضطراب بدنی.
- 0= ندارد.
- علائم یا واکنش‌های فیزیولوژیکی همراه با اضطراب.



- 1= خفیف، نظیر علائم دستگاه گوارشی، خشکی دهان، نفخ سوء هاضمه، اسهال، آروغ، دل درد.
2= متوسط.
3= شدید.
4= فالج کننده.
12) علائم مربوط به دستگاه گوارشی
0= ندارد.

- 1= از دست دادن اشتها ولی بدون اصرار دیگران غذا می‌خورد، احساس سنگینی در ناحیه شکم.
2= اشکال در غذا خوردن در صورتی که دیگران اصرار نکنند. تقاضای داروهای ملین یا داروهای خاص دستگاه هاضمه یا نیاز به آنها.
13) علائم بدنی کلی
0= ندارد.

- 1= احساس سنگینی در دست‌ها، پاها، سر یا پشت، پشت درد، سر درد، دردهای عضلانی، از دست دادن انرژی و زود خسته شدن.
2= وجود بارز و آشکار هر یک از علائم بالا.
14) علائم مربوط به دستگاه تولید مثل.
0= ندارد.

- علائمی از قبیل از دست دادن تمایلات جنسی، اختلال در عادات ماهانه.
1= خفیف.
2= شدید.
3= نامعلوم، مشخص نشده.
15) هیپوکندریا (بیماری خیالی).
0= ندارد.

- 1= اشتغال ذهنی با فعالیت‌های بدنی خود.
2= اشتغال ذهنی به سلامت یا بیماری خود.
3= درباره سلامت خود تقاضای کمک دارد.
4= هدیان‌های هیپوکندریک.
16) کاهش وزن.

الف) ارزشیابی بر طبق تاریخچه بیمار.

0= کاهش وزن ندارد.

1= کاهش وزن احتمالی در رابطه با بیماری حاضر.

2= کاهش وزن قطعی و طبق اظهارات خود مریض.

ب) برحسب ارزیابی‌های هفتگی توسط روانپزشک مسئول که تغییرات وزن مریض را قبلاً اندازه گرفته است:

0= کمتر از نیم کیلو کاهش وزن در یک هفته.

1= بیش از نیم کیلو کاهش وزن در یک هفته.



⇒ بیش از یک کیلو کاهش وزن در یک هفته.

(17) آگاهی یا اطلاع از وضع خود.

⇒ افسردگی و مریض بودن خود را قبول دارد.

⇒ بیماری خود را قبول دارد ولی آن را از بدی غذا، کار زیاد، ویروس، نیاز به استراحت و غیره می‌داند.

⇒ بکلی منکر بیمار بودن خود است.

(18) تغییرات روزانه (دیورنال).

قبل از ظهر

بعد از ظهر

⇒ ندارد=0

اگر علائم بیماری صبح‌ها یا عصرها شدیدتر می‌شود.

⇒ مختصر=1

موقع تشدید علائم، صبح یا عصر و درجه شدت آن

⇒ شدید=2

را ارزیابی کنید.

(19) مسخ شخصیت و واقعیت.

⇒ ندارد.

از قبیل احساس واقعیت نداشتن اشیاء، حوادث

⇒ خفیف.

اطراف، افکار حاکی از نابودی و نیستی خود.

⇒ متوسط.

⇒ شدید.

⇒ فلج‌کننده.

(20) علائم پارانوئید (سوء ظن شدید).

⇒ ندارد.

⇒ کمی ظنین و بدگمان (کمی)

⇒ ظنین و بدگمان (زیاد).

⇒ فکرای ارجاعی یا انتساب به خود.

⇒ هذیان‌های ارجاع و انتساب به خود و تعقیب و گزند.

(21) علائم وسواس فکری و عملی

⇒ وجود ندارد.

⇒ خفیف.

⇒ شدید.

(22) بی‌چارگی یا استیصال (بی‌عرضگی).

⇒ وجود ندارد.

⇒ احساس ذهنی که فقط در جواب پرسش روانپزشکی اظهار می‌شود.

⇒ مریض احساس بی‌چارگی یا استیصال خود را بطور داوطلبانه بیان می‌کند.

⇒ مریض به اصرار و راهنمایی و تشویق دیگران احتیاج دارد تا بتواند، وظایف روزمره خود را در بیمارستان انجام دهد یا

به نظافت شخصی خود بپردازد.



4= مریض به کمک دیگران نیازمند است تا بتواند لباس بپوشد، سر و صورت خود را مرتب کند، غذا بخورد، به بستر برود یا به نظافت شخصی بپردازد.

23) نومییدی و یأس

0= وجود ندارد.

1= هر از گاهی درباره امکان بهبود خود یا کارها دچار تردید می شود ولی بر اثر تشویق دیگران امیدواری پیدا می کند.

2= دائماً احساس یأس و نومییدی می کند ولی دلداری های دیگران را می پذیرد.

3= احساسات حاکی از نومییدی، یأس، بدبینی درباره آینده اظهار می کند که نمی توان آنها را از او دور کرد.

4= خود به خود، بدون تناسب با مقتضای حال و مقال، عباراتی از قبیل «من هرگز بهبود نخواهم یافت» را پشت سر هم تکرار می کند.

24) بی ارزشی. این حالت از احساس خفیف از دست دادن آبرو، احساس حقارت، سرزنش و تحقیر خود تا افکار هذیانی

حاکی از بی ارزشی را در بر می گیرد.

0= وجود ندارد.

1= فقط در صورت سؤال کردن علائمی از احساس بی ارزشی به صورت از دست دادن احترام یا آبرو نشان می دهد.

2= خود به خود بدون سؤال احساس بی ارزشی و از دست دادن احترام و آبروی خود بیان می دارد.

3= تا حدی با 2 فرق دارد مریض اعلام می دارد که آدم به درد خوری نیست، پست و حقیر است.

4= افکار هذیانی حاکی از بی ارزشی از قبیل من یک مشت آشغال بیش نیستم و نظائر آن.